

نقش تجارت بین‌المللی در رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت

نویسنده : علیرضا رحیمی بروجردی *

مقدمه :

رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه^۱ صادرکننده نفت $(OXDC_S)$ وابستگی شدیدی به درآمدهای صادراتی و قیمت نفت دارد و مطالعات تجربی در این نوشتار نشان خواهد داد که درآمدهای صادراتی و قیمت نفت نقش حساس و مهمی را در رشد اقتصادی این کشورها ایفا می‌نماید .

این بررسی تجربی از ۵ قسمت زیر تشکیل شده است :

الف : نگرشی مختصر بر وضعیت اقتصادی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت .

ب : ارائه بحثی تئوریک در زمینه تأثیرات صادرات بر رشد اقتصادی و تأثیر نرخ‌های بهره جهانی بر رشد اقتصادی این کشورها .

ج : تبیین یک مدل قرار دادی تفصیلی، بر اساس رابطه تابعی میان رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی و پنج متغیر مستقل به عنوان مهمترین عواملی که می‌توانند بر رشد اقتصادی این کشورها تأثیر بگذارند و آزمون میزان تأثیرات هر یک از عوامل بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بحث و مشخص کردن تأثیر نسبی عوامل در مدل رشد .

د : ارائه نتایج تجربی در دو بخش :

۱- کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت به عنوان یک گروه .

۲- کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت به صورت منفرد .

ه : خلاصه و نتیجه‌گیری .

* دکتر علیرضا رحیمی بروجردی عضو هیئت علمی دانشکده - اقتصاد دانشگاه تهران

1- $OXDC_S = OIL-EXPORTING DEVELOPING COUNTRIRS$

تأثیرات عوامل بروننی مانند نرخ بهره جهانی، قیمت واردات، قیمت صادرات و... بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه توسط عده‌ای از محققین مورد بررسی قرار گرفته است که برخی از آنها عبارتند از:

چو^۲ (۱۹۸۷)، تانزی^۳ (۱۹۸۶)، خان^۴ (۱۹۸۶)، فرآی و لیلین^۵ (۱۹۸۶)، تابلینی^۶ (۱۹۸۱)، بالاسا^۷ (۱۹۸۶)، بالاسا و بارسونی و ریچاردز^۸ (۱۹۸۱) و رحیمی بروجردی (۱۹۹۰).

اما معدود مطالعات تجربی وجود دارد که در آنها تأثیر شوکهای خارجی و نقش تجارت بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت مورد توجه قرار گرفته باشد. در این مقاله تأثیرات درآمد‌های صادراتی و قیمت‌های صادرات بطور اخص از بخش تجارت خارجی و نرخ بهره جهانی - که به مثابه عامل تعیین کننده سرمایه‌گذاری و جریان ورودی و خروجی سرمایه در این کشورها می‌باشد - مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. این بررسی نشان خواهد داد که درآمد‌های صادراتی و قیمت صادرات^۹ در بلندمدت نقش عمده‌ای در اقتصاد این کشورها ایفا می‌کند.

نگرشی مختصر بر وضعیت اقتصادی تعدادی از کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۷ درآمدی معادل ۴۱ میلیارد دلار داشته‌اند که در مقایسه با درآمد سال ۱۹۸۶ (حدود ۵۵ میلیارد دلار) کاهش را برابر با ۱۴ میلیارد دلار نشان می‌دهد. در همین حال درآمد‌های نفتی این کشورها در سال ۱۹۸۷ معادل ۲۸ میلیارد دلار بود که در مقایسه با درآمد‌های نفتی آنها در سال ۱۹۸۶ (حدود ۳۹ میلیارد) کاهش ۱۱ میلیارد دلاری را نشان می‌دهد. از طرف دیگر هزینه‌های عمومی این کشورها در سال ۱۹۸۷ در مقایسه با سال ۱۹۸۶ حدود ۱۳ درصد افزایش داشت در حالی که در همان زمان میزان سرمایه‌گذاری در این کشورها حدود ۱۸ درصد کاهش نشان می‌دهد.

2- CHU 4-KHAN 6- TABELLINI 8-BALASSA, BARSONY AND
3-TANZI 5-FRY AND LILEN 7-BALASSA RICHARDS

۹ - میزان صادرات نفتی حدود ۸۵ درصد از حساب‌های جاری و ۹۴ درصد از صادرات تجاری کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت را تشکیل می‌دهد. بنابراین درآمد‌های صادراتی و درآمد‌های نفتی در این کشورها از حرکت همسوئی برخوردار بوده و در مطالعات تجربی یکی را به جای دیگری می‌توان مورد استفاده قرار داد.

علت اصلی کاهش درآمدهای کشورهای مذکور، کاهش بی سابقه بهای نفت خام طی دوره ۸۸ - ۱۹۸۶ بوده است که علاوه بر اقتصاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، اکثر کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت را به شدت متأثر ساخت. کسری بودجه سال مالی ۸۸-۱۹۸۷ کویت بالغ بر ۵ میلیارد دلار تخمین زده شد. این کسری برای امارات متحده عربی (شامل ابوظبی، ام القوین، دوی، رأس الخیمه، شارجه، عجمان و فجیره) ۳ میلیارد دلار و عمان ۱/۷ میلیارد دلار بوده است.

درآمدهای نفتی کویت در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۹ میلیارد دلار بود که این رقم در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ به ترتیب به ۱۰ میلیارد دلار و ۶ میلیارد دلار کاهش یافت. کاهش درآمدهای نفتی در کلیه کشورهای صادرکننده نفت سیر نزولی داشته است. بطور کلی کشورهای صادرکننده نفت از دید صادرات و تکیه بر درآمدهای نفتی فصل مشترک دارند و نوسانات در قیمت نفت می تواند خسارت سنگینی برای این کشورها وارد سازد. برای مثال الجزایر به عنوان یکی از کشورهای صادرکننده نفت، ۹۸ درصد درآمدها صادراتش را از محل درآمدهای نفتی و مواد هیدروکربوری تأمین می کند. جدول (۱) تولید و صادرات نفت و نسبت صادرات نفت به کل صادرات را در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت در سال ۱۹۸۷ نشان می دهد.

بر اساس جدول شماره (۱)، قسمت اعظم تجارت بین المللی اکثر کشورهای مذکور در بخش نفت و فرآورده های نفتی خلاصه می شود. از این میان، کشورهای نظیر عراق، ایران، عمان و نیجریه، وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارند و بیش از ۹۰ درصد از درآمدهای صادراتی آنها از محل درآمدهای نفتی تأمین می گردد. وابستگی کشورهای عربستان - سعودی، ونزوئلا، الجزایر، لیبی، قطر، امارات متحده عربی و کویت به درآمدهای نفتی در دهه ۱۹۸۰ بسیار زیاد بوده و چنانکه از جدول (۱) هویدا است این وابستگی در بسیاری از موارد بیشتر از ۵۰ درصد بوده است. در چند سال اخیر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت سعی بر افزایش تولید نفت خام داشته اند بطوری که پس از اجلاس اوپک در ۲۷ ژولای ۱۹۹۰ که منجر به افزایش قیمت نفت به سقف ۲۱ دلار در هر بشکه گردید، تولید نفت خام روزانه این کشورها، در مقایسه با سال ۱۹۸۷ که قیمت نفت در سطح پایینی قرار داشت، از افزایش چشمگیری برخوردار بود.

تولید و صادرات نفت و نسبت صادرات نفتی به کل صادرات در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (۱۹۸۷).

کشور	۱۹۸۷*	۱۹۸۷*	۱۹۸۷*	۱۹۸۷*	۱۹۸۷*	۱۹۸۷*	۱۹۸۷*
	ارزش صادرات نفتی (میلیون دلار)	صادرات نفتی (۱۰۰۰ MT)	تولید نفت (هزار بشکه روز)	تولید نفت (هزار بشکه روز)	ارزش کل صادرات (میلیون دلار)	نسبت صادرات نفتی به کل صادرات (A/B)	تولید نفت (هزار بشکه روز)
عربستان سعودی	۱۷۱۱۶/۷	۱۴۳۸۳۸	۲۱۱۱۲۸	۲۹۷۵/۳	۲۶۹۷۵	۰/۶۳	۵۳۸۰
کویت	۴۰۰۳/۳	۳۶۳۸۵	۶۵۰۵۲	۹۷۱/۶	۸۳۵۷	۰/۴۷	۱۵۰۰
امارات متحده عربی	۷۶۷۵/۶	۶۴۵۰۰	۶۷۱۵۲	۱۴۱۷/۷	۱۴۰۰۰	۰/۵۴	۱۵۰۰
قطر	۱۵۸۶	۱۳۷۹۰	۱۳۸۳۸	۲۹۱/۳	۲۰۰۰	۰/۷۹۳	۳۷۱
عمان	۱۰۲۸۳	۸۳۴۵۰	۱۰۴۷۰۰	۲۳۳۳/۴	—	—	۳۱۴۰
ایران	۱۰۵۸۱	۵۵۳۳۱	۱۱۵۵۱۲	۲۲۹۷/۶	۱۱۰۰۰	۰/۹۶	۳۱۴۰
لیبی	۳۳۲۲/۲	۲۶۷۹۲	۲۷۶۱۲	—	۲۴۳۳	۰/۹۶	۳۱۴۰
نیجریه	۴۷۷۲/۴	۳۹۷۷۰	۵۱۵۵۲	۹۷۲/۵	۶۷۰۰	۰/۷۱	—
ونزوئلا	۵۶۱۱	۵۱۸۳۱	۹۵۲۴۸	۱۵۷۵/۵	۴۴۰۲	۰/۶۶	۱۲۳۳
نمیبوریه	۷۱۹۶	۵۶۲۱۹	۶۲۰۴۰	۱۲۷۲/۸	۷۳۴۵	۰/۹۷	۱۹۲۵
الجزایر	۵۰۴۵/۷	۴۳۸۷۶	۳۰۴۰۸	۶۴۸/۲	۸۱۸۶	۰/۶۱	۸۲۷
اندونزی	۴۵۷۵	۳۹۱۳۴	۶۴۱۱۰	۱۱۵۸/۱	۱۷۱۲۶	۰/۲۶	۱۲۷۴
چین	—	—	—	—	۲۳۸۴	—	—
اگرادور	۶۱۲/۴	۵۱۰۳	۸۵۲۰	۱۸۰/۹	۱۹۸۹	۰/۳۰	۲۷۳
کابن	۸۶۹	۷۰۱۰	۷۹۲۰	۱۵۴/۵	۱۲۸۶	۰/۶۷	۱۹۷

منابع:

* COMMODITY YEAR BOOK , 1989. PP. 2,369,370
 ** OPEC ANNUAL STATISTICS YEARBOOK , 1987

با مروری دوباره به آنچه که در این قسمت آورده شد درمی یابیم که اولاً " اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت وابستگی شدیدی به درآمد های نفتی دارد و کاهش قیمت نفت می تواند کسری قابل توجهی در بودجه سرانه و ترازپرداخت های این کشورها ظاهر سازد. ثانیاً " از آنجا که از یک طرف ذخایر نفتی و عمر متوسط این ذخایر در این کشورها یکسان نبوده و بسیاری از این کشورها یا کمبود ذخایر در آینده نزدیک روبرو خواهند شد و از طرف دیگر این کشورها از مزیت های نسبی متفاوتی نسبت به یکدیگر برخوردارند ، بایستی از سیاست های اقتصاد کلان مشخصی که با منابع موجود در کشورشان تطابق داشته باشد ، پیروی نمایند . اما آنچه که بیشتر از هر چیز دیگر در این بررسی جلوه می کند ، اهمیت صادرات و نقش تجارت بین المللی در رشد اقتصادی این کشورها است . لذا درآمد این بررسی ، تأثیرات صادرات و نرخ بهره جهانی را بر رشد اقتصادی این کشورها بطور مختصر بررسی نموده و این تأثیرات را با استفاده از روشهای اقتصاد سنجی تست می نمایم .

تأثیرات صادرات بر رشد اقتصادی

کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت^۱ به شدت وابسته به صدور نفت خام می باشند . مالکیت و حق اکتشاف در کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت متعلق به دولت بوده و در نتیجه عوائد صادراتی به خزانه دولتی انتقال پیدا می کند . صندوق بین المللی پول (IMF) کشورهای را که دارای مازاد حساب جاری و اعطاء کننده سرمایه به دیگر کشورها می باشند^۲ کشورهای صادرکننده سرمایه می نامد . هشت کشور از دوازده کشور در حال توسعه صادر کننده نفت به غیر از کشورهای اندونزی ، نیجریه ، ونزوئلا و الجزایر ، کشورهای صادر کننده سرمایه هستند . اگر چه ساختار اقتصادی هر یک از کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت تفاوت هایی با یکدیگر دارند ولی همگی در صفت ممیزه واحدی مشترک می باشند . آنها نفت را تولید و صادر می کنند و سهم عمده ای از بودجه آنها بوسیله درآمد های نفتی تأمین می گردد . میزان صادرات نفتی حدود ۸۰ درصد از حساب های جاری و ۹۴ درصد از صادرات کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت را تشکیل می دهد .

۱- کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت : الجزایر ، اندونزی ، ایران ، عراق ، لیبی ، نیجریه ، کویت ، عمان ، قطر ، عربستان سعودی ، امارات متحده عربی و ونزوئلا می باشند .

جدول شماره (۲) نشان‌دهنده این امر است که وقتی قیمت نفت در سالهای بعد از ۱۹۷۹ افزایش یافت، بدین معنا که تغییراتی در قیمت صادرات به نفع کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت به وجود آمد، مازادی در تراز پرداخت‌های حسابهای جاری آن کشورها ظاهر شد. برای سالیان بسیاری رابطه مبادله بر اساس خواست و میل این کشورها بوده و تحقیقات تجربی مشخص‌کننده این امر است که عوائد حاصل از صادرات نقش بسزایی در رشد کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت داشته است. این جدول نشان می‌دهد که وقتی در خلال سالهای ۸۵-۱۹۸۳ م کاهش در عوائد صادراتی این کشورها به وجود آمد، میزان تولیدات ناخالص داخلی (GDP) آنها نیز یک روند نزولی داشته است. تولیدات و صادرات نفت خام در کشورهای صادرکننده نفت یک همبستگی مثبت با میزان تولیدات ناخالص داخلی دارد و جدول نشان می‌دهد که میزان (GDP) و قتیکه میزان تولیدات و صادرات این کالا کاهش یابد، تنزل می‌یابد.

تغییرات نامطلوب در قیمت‌های صادراتی ممکن است به تضعیف رابطه مبادله بیانجامد که می‌تواند اثرات منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد. همچنین قیمت صادرات ممکن است تأثیری مثبت و یا منفی در تولید (بسته به کشش قیمتی کالاهایی که صادر می‌شوند) بگذارد.

بنابراین ما انتظار خواهیم داشت که $\frac{\partial Y}{\partial EX} > 0$ باشد. و نیز همان‌گونه که بیان گردید، عوائد صادراتی می‌تواند تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی داشته باشد، بنابراین انتظار داریم که: $\frac{\partial Y}{\partial EX} > 0$. که در آنها EX, PX, Y به ترتیب درآمد واقعی، قیمت صادرات و درآمد‌های صادراتی در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت می‌باشند.

تأثیر نرخهای بهره جهانی بر رشد کشورهای در حال توسعه

نرخهای بهره بین‌المللی نه تنها می‌توانند تأثیری بر حجم خدمات وامی کشورهای در حال توسعه داشته باشند بلکه تأثیراتی نیز بر سطح پس‌اندازهای داخلی و سرمایه‌گذاری و سیاست‌های کلان اقتصادی این کشورها دارند. به هر حال تأثیر نرخهای بهره خارجی در تنگ‌کننده‌ها متفاوت با دیگری است. افزایش در نرخ بهره بین‌المللی و کاهش قابلیت استفاده از وامهای بانکی می‌تواند اثرات زیادی بر رشد کشورهای در حال توسعه‌ای که وابستگی شدیدی به تهیه و تأمین پول از بانک‌های تجاری دارند، بگذارد.

تکیه کشورهای درحال توسعه به نرخهای بهره بین المللی، در خلال فرضهای عمومی و یا خصوصی از بانکهای تجاری، در دهه ۱۹۷۰ میلادی به مراتب بیشتر از قبل بوده است. این مسئله از تحقیقات محققینی همانند "گلدزبرو" و "زئیدی"^۱ در سال ۱۹۸۶ به دست آمده است. بطوری که آنها در نوشته های شان آورده اند:

"از پایان سال ۱۹۸۱ تا پایان سال ۱۹۸۳ میلادی میزان کل استقراض خارجی کشورهای درحال توسعه وارد کننده سرمایه از افزایشی در حدود ۲۱ درصد برخوردار بوده است. علی رغم کاهش ورود سرمایه تا سال ۱۹۸۲، این استقراض تا میزان ۸۷۸ بیلیون دلار آمریکا در سال ۱۹۸۵ در مقایسه با سال ۱۹۸۲ که ۷۵۲ بیلیون دلار بود، افزایش یافته است. به عبارت دقیق: وقتی که استقراض خارجی بوسیله شاخص قیمت صادرات اصلاح^۳ گردد، میزان استقراض خارجی در خلال سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۳ سالانه حدود ۸ درصد افزایش داشته و این در حالی بوده که حجم صادرات تنها از افزایشی در حدود ۴ درصد برخوردار بوده است (به مأخذ شماره ۷ مراجعه شود).

استقراض خارجی ممکن است بوسیله کشورهای درحال توسعه به منظور افزایش سطح سرمایه گذاری به سطحی که میزان پس اندازهای داخلی به آن نمی رسند، صورت پذیرد. افزایش در سرمایه گذاری می تواند در خلال افزایش زیرسازهای اقتصادی، ارتقاء سطح تحصیلات و آموزش و یا بهبود تکنولوژی - که همگی این عوامل منجر به افزایش درآمد و تولید می گردند - باعث ایجاد "صرفه جوئی های خارجی" شود.

تأثیر استقراض خارجی با حجم زیاد، بر رشد اقتصادی، بستگی دارد به توانائی کشور در حال توسعه در سوق دادن سرمایه گذاری در مسیرهایی که منابع واقعی مکفی وجود دارد و مبادلات خارجی به وجود می آید که منجر به پرداخت دیون خارجی و عدم استقراض بیشتر بشود. اگر نرخ بازدهی در یک واحد اضافی سرمایه گذاری که بوسیله کشور در حال توسعه انجام می گیرد از نرخ بهره بین المللی بیشتر باشد، در این صورت سطح پس انداز داخلی افزایش می یابد که به رشد تولید منجر می شود و اقتصاد در این وضعیت قادر می شود فاصله بین سطح پس اندازهای داخلی و سطح سرمایه گذاری انجام شده را از بین بردارد و امکان پرداخت قروض خارجی نیز فراهم می گردد. تحقیقات "گلدزبرو" و "زئیدی" در سال

1- GOLDSBROUGH, D.

2- ZAIDI, I.

3- DEFLATE

تولید و خالص صادرات نفت ، قیمت های نفت ، تولید ناخالص داخلی ، حساب جاری ، حجم صادرات ، درآمد های صادرات ، درآمد های صادراتی ، قیمت های صادرات و واردات و رابطه تجاری کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت

	۱۹۷۳	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶
تولید / نفت	۳۱۰۱	۳۰۰۶	۳۱۰۵	۲۷۰۸	۲۳۰۸	۱۹۰۹	۱۸۰۳	۱۸۰۲	۱۷۰۱	۱۷۰۹
صادرات خالص / نفت	۲۹۰۶	۲۸۰۳	۲۸۰۵	۲۴۰۷	۲۰۰۵	۱۶۰۴	۱۴۰۹	۱۴۰۸	۱۳۰۶	۱۴۰۴
قیمت های نفت	۲۰۷۵	۱۲۰۷۵	۱۷۰۲۶	۲۹۰۶۷	۳۲۰۵۵	۳۳۰۴۷	۲۹۰۳۱	۲۸۰۴۷	۲۸۰۵۵	na
تولید ناخالص داخلی	۶۰۹	-۱۰۳	۴۰۱	۲۰۷	۱۰۲	۱۰۹	-۲۰۴	-۵۰۱	-۲۰۱	na
حساب های جاری	۶۳۵۵	-۲۳۶۴	۶۵۱۵۴	۱۵۳۴۵۷	۴۶۷۴۸	-۹۲۳۵	-۳۵۴۸۳	-۴۹۸۸	۲۳۲۸	-۲۵۱۷۲
حجم صادرات	۱۴۰۲	-۲۰۷	۱۰۹	-۱۵۰۱	-۱۷۰۶	-۱۹۰۱	-۵۰۵	-۱۰۵	-۶۰۱	۱۳۰۲
درآمد های صادراتی	۳۹۰۷۸	۱۴۴۰۳	۲۱۵۰۶	۳۵۱۰۸	۲۷۹۰۸	۲۲۳۰۴	۱۷۹۰۷	۱۶۵۰۶	۱۴۳۰۸	na
قیمت های واردات	۱۲۰۵	۱۳۰۱	۱۳۰۹	۱۱۰۷	-۱۰۷	-۳۰۹	-۳۰۷	-۲۰۲	-۱۰۴	۱۳۰۱
قیمت های صادرات	۴۱۰۲	۵۰۱	۴۴۰۵	۶۵۰۵	۱۵۰۴	-۵۰۷	-۱۲۰۱	-۲۰۲	-۳۰۴	na
رابطه مبادله	۱۳۰۲	-۱۱۰۲	۲۷۰۱	۴۷۰۸	۱۴۰۵	۵۰۹	-۹۰۱	۵۰۶	-۲۰۶	۴۹۰۵

ملاحظات جدول :

1. Production and net exports data are taken from world Economic Outlook, IMF , 1986, P.149, (in million barrels a day).
2. Oil prices are Saudi Arabian crude petroleum average official prices, in Us dollars per unit, taken from IFS, Year Book, IMF, 1987 and IFS , Supplement on price Statistics, No.12, IMF , 1986.
3. GDP at constant prices are percent change over Previous Year; current Accounts Balance are in million of Us dollars, taken from IFS, Year Book, IMF, 1987.
4. Export Volumes are annual changes, in percent, taken from world Economic outlook, IMF, 1986(P.205), 1987(P.143) and 1983 (P.176).
5. Import prices are annual changes , in percent, in terms of Us dollars, taken from world Economic Outlook, IMF , 1983 (for 1973).
6. Export prices are percent change over previous year , taken from IFS, Supplement on price Statistics, NO.12 , 1986.
7. Terms of Trade are annual change, in percent, taken from world Economic Outlook, IMF , 1983, 1986 and 1987.
8. ~~has~~ NOT Available.

۱۹۸۶ نشان می‌دهد که یک رابطه مثبت بین نرخ استقراض خارجی و نرخ سرمایه‌گذاری وجود دارد.

وقتی که نرخ بهره بین‌المللی افزایش یابد، این امر بر هزینه‌های خدماتی قروض خارجی موجود و هزینه استقراض خارجی جدید تأثیر می‌گذارد، و نیز به عدم تمایل و دلسردی به سرمایه‌گذاری جدید در کشور منجر می‌شود. با فرض یکسان بودن عوامل دیگر، این مسئله موجب روبه زوال گذاشتن حساب جاری تراز پرداخت‌ها می‌شود و نیز ممکن است منجر به تنزل ظرفیت تولید داخلی - در اثر کم شدن انگیزه و محرک برای سرمایه‌گذاری‌های جدید - و متعاقب آن موجب کاهش در مصرف گردد.

بسیار مهم است که به یاد داشته باشیم تمامی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت از ذخائر ارزی خارجی قابل توجه‌ای برخوردار نمی‌باشند و اخیراً "نیز کاهش در درآمدهای حاصل از صدور نفت این کشورها موجب کسری تراز پرداخت‌های آنها شده است. برای مثال کسری تراز پرداخت‌های کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت در سال ۱۹۸۲، (۹۳۲۵ -) میلیون دلار؛ در سال ۱۹۸۳، (۲۰۴۸۳ -) میلیون دلار؛ در سال ۱۹۸۴، (۴۹۸۸ -) میلیون دلار و در سال ۱۹۸۶، (۲۵۱۷۲ -) میلیون دلار بوده است. همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، اکثریت کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت میزان وابستگی‌شان به بازارهای پولی بین‌المللی افزایش پیدا کرده است و سعی دارند تا کسری تراز پرداخت‌هایشان را با استقراض از خارج تأمین کنند. به جز عده قلبی از کشورهایی که دارای مازاد تراز پرداخت‌ها هستند، دیگر کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت همانند الجزایر، اندونزی، عراق، نیجریه و ونزوئلا دارای بدهی عمومی خارجی می‌باشند. این کشورها در اوائل سال ۱۹۸۰ مجموعاً "دارای بدهی عمومی خارجی در حدود ۷۶ میلیارد دلار آمریکا بودند که هر ساله حدود ۸/۵ میلیارد دلار نیز به آن به عنوان بدهی خدمات ترجیحی^۱ اضافه می‌گردد. میزان بدهی بسیاری از کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت به علت کاهش درآمدهای حاصل از صدور نفت و وجود نزاع در خلیج فارس افزایش یافت. برای مثال عراق تا قبل از سال ۱۹۸۰ به عنوان یک کشور دارای مازاد تراز پرداخت‌ها شناخته می‌شد ولی اخیراً "میزان بدهی‌های خارجی آن کشور در حدود ۶۰ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده می‌شود و این کشور برای اولین بار بعد از سال ۱۹۷۰ میزان قابل ملاحظه‌ای کسری در حساب‌های جاری به ثبت رسانیده است. در هر صورت وقتی میزان بدهی‌های موجود کشورهای در حال توسعه صادرکننده

نفت با کشورهای درحال توسعه واردکننده سرمایه مقایسه شود باز این میزان به مراتب کمتر بوده و هنوز بسیاری از این کشورها به عنوان کشورهای صادرکننده سرمایه قلمداد می‌شوند. تحقیقات تجربی نشان داده است که افزایش در نرخهای بهره جهانی تأثیرات جدی بر روی رشد اقتصادی این کشورها نداشته است.

مدل

مدلی که در این بررسی مورد استفاده قرار گرفته، یک مدل "قراردادی تفصیلی" است که بر اساس "رابطه تابعی" میان رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت (\dot{Y}) و پنج متغیر مستقل یعنی: رشد قیمت صادرات (\dot{P}_X)، رشد عواید صادرات تجاری (\dot{E}_X)، نرخهای بهره بین‌المللی (R)، نرخ رشد نیروی انسانی (\dot{L}) و نرخ رشد سرمایه (\dot{K}) تنظیم شده است.

در این بررسی:

\dot{Y} = میزان رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) در کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت.

\dot{P}_X = قیمت صادرات که به صورت تغییرات درصدی نسبت به سال گذشته بیان شده است.

\dot{E}_X = عایدات صادراتی که بر اساس درصد رشد نسبت به سال قبل آمده است.

R = نرخ بهره بین‌المللی که بر اساس نرخ بهره اروپایی دلار (ارو - دلار) در لندن مشخص شده است.

\dot{L} = رشد نیروی انسانی، همانند رام و دیگران که از نرخ رشد جمعیت برای نرخ رشد نیروی انسانی استفاده کرده‌اند، در این بررسی نیز نرخ رشد جمعیت به عنوان شاخصی برای نشان دادن میزان رشد نیروی انسانی مورد استفاده قرار گرفته است.

\dot{K} = رشد ناخالص سرمایه.

به منظور بنای "معادله رشد" ابتدا رابطه تابعی زیر را در نظر بگیرید:

$$Y = F(P_X, E_X, R, L, K) \quad (1)$$

اگر از طرفین معادله (۱)، تفاضل کل گرفته شود، خواهیم داشت :

$$dy = \left(\frac{\partial Y}{\partial p_X}\right) * dp_X + \left(-\frac{\partial Y}{\partial E_X}\right) * dE_X + \left(-\frac{\partial Y}{\partial R}\right) * dR + \left(\frac{\partial Y}{\partial L}\right) * dL + \left(\frac{\partial Y}{\partial K}\right) * dk \quad (2)$$

اگر طرفین معادله (۲) را بر Y تقسیم کنیم و بعد از انجام یکسری عملیات خواهیم داشت :

$$dy = \left(\frac{\partial Y}{\partial p_X}\right) \left(\frac{dp_X}{p_X}\right) \left(\frac{p_X}{Y}\right) + \left(\frac{\partial Y}{\partial E_X}\right) \left(\frac{dE_X}{E_X}\right) \left(\frac{E_X}{Y}\right) + \left(\frac{\partial Y}{\partial R}\right) \left(\frac{dR}{R}\right) \left(-\frac{R}{Y}\right) \\ + \left(-\frac{\partial Y}{\partial L}\right) \left(\frac{dL}{L}\right) \left(-\frac{L}{Y}\right) + \left(-\frac{\partial Y}{\partial K}\right) \left(-\frac{dk}{K}\right) \left(-\frac{K}{Y}\right) \quad (3)$$

کشش تولید^۱ را با توجه به داده‌های طرف راست معادله (۳) بسادگی می‌توان پیدا کرد و معادله (۴) را که برحسب نرخ رشد می‌باشد، بنام نمود.

$$\dot{Y} = \beta_p \dot{p}_X + \beta_x \dot{E}_X + \beta_r \dot{R} + \beta_L \dot{L} + \beta_K \dot{K} \quad (4)$$

بطوریکه نماد "•" نشان دهنده نرخ رشد و ضرایب β کشش عوامل تولیدی مربوط به عوامل طرف راست است. با اضافه نمودن جمله ثابت و مولفه تصادفی می‌توان به معادله مشخص اقتصادسنجی^۲ که برای تخمین بکار می‌رود، دست یافت:

$$\dot{Y} = \beta_p \dot{p}_X + \beta_x \dot{E}_X + \beta_r \dot{R} + \beta_L \dot{L} + \beta_K \dot{K} + U \quad (5)$$

در تجزیه و تحلیل‌های بعدی، معادله (۵) برای کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت تخمین زده خواهد شد.

آمار

آمار مربوط به تولید، جمعیت، عواید صادراتی و قیمت‌ها برای تمامی کشورها از نشریه سالانه صندوق بین‌المللی پول^۱ (۸۷-۱۹۸۶) اخذ شده‌اند. اطلاعات مربوط به رشد سرمایه از IFS (ضمیمه‌ای برآمار تولیدی، نشریه IMF، ۱۹۸۴) و IFS ۱۹۸۷ گرفته شده‌اند. دوره مورد مطالعه در این بررسی از ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۵ میلادی می‌باشد و تمامی اطلاعات به صورت سالانه تنظیم شده‌اند.

روشهای تخمین

هدف از این بررسی آزمون میزان تأثیرات هر یک از عوامل بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت است. برای انجام این امر روش حداقل مجذورات معمولی (OLS) برای تخمین مدل بکار گرفته شده است. از آنجائی که اطلاعات به صورت سربهای زمانی است، انتظار می‌رود که جمله خطا دارای خود همبستگی باشد. در صورتیکه این خود همبستگی اتفاقی از مرتبه اول و یا مرتبه دوم باشد، در آن صورت روش حداقل مربعات تعمیم بیافته (GLS) برای تخمین مدل مورد استفاده قرار خواهد گرفت. از اهداف دیگر این تحقیق مشخص کردن تأثیر نسبی عوامل در مدل رشد می‌باشد. برای انجام این امر ضرائب β مناسب نیز محاسبه می‌شوند. این ضرائب برای تعیین نسبی متغیرهای مستقل در یک مدل رگرسیون مرکب می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

برای تعیین ضرائب β ، هر یک از متغیرهای رگرسیون بایستی نرمالیزه شوند. ضرائب β میزان تغییر در متغیر وابسته به علت یک واحد تغییر در هر کدام از متغیرهای مستقل، در صورتیکه دیگر متغیرها ثابت باشند را نشان می‌دهد. ضرائب β می‌توانند به صورت زیر نوشته شوند:

$$V_j = \beta_j \cdot \frac{SX_j}{SY} \quad j=1, 2, 3, \dots, k \quad (۶)$$

۱- INTERNATIONAL FINANCIAL STATISTICS, YEAR BOOK, IMF, (1986-87)

2- BETA COEFFICIENTS.

که در معادله فوق، $\nabla \hat{\beta}$ ضرائب β و SX, SY به ترتیب انحراف استاندارد متغیرهای مستقل و وابسته می‌باشند. ضرائب β مستقل از واحدهای اندازه‌گیری هر یک از متغیرهای غیر وابسته می‌باشند. پس این ضرائب را می‌توان به صورت مستقیم با یکدیگر مورد - سنجش و مقایسه قرار داد. باید این نکته را متذکر شویم که ضرائب β را برای "جمله ثابت" نمی‌توان تعیین نمود چرا که جمله ثابت در طی مراحل نرمالیزه حذف می‌شود. ضرائب β برای مدل GIS به گونه زیر محاسبه گردیده است: ابتدا این ضرائب از روش روانه تکرار تخمین زده می‌شوند و بعد از آنکه مدل تغییر شکل یافت و به این وسیله از همبستگی مظنون رهائی پیدا کرد، معاله (۶) را می‌توان برای محاسبه ضریب β مورد استفاده قرار داد.

نتایج تجربی

الف - کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت به عنوان یک گروه

مقادیر R^2 (ضریب تعیین) در جدول شماره (۳) دلالت می‌کند که ۶۵ درصد از تغییر رشد اقتصادی می‌تواند بوسیله خطوط رگرسیونی توضیح داده شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که قیمت صادرات در حدود ۱٪ معنی‌دار می‌باشد. ضریب قیمت صادرات منفی است که این امر متضمن ارتباط منفی قیمت صادرات با رشد اقتصادی است. نتایج ضرائب β دلالت بر این دارند که قیمت صادرات مهمترین عامل نسبی در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت می‌باشد و نقش مهمی را در اقتصاد این کشورها ایفا می‌کند.

عواید صادراتی تجاری عامل مهمی در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت می‌باشد. ضریب عواید صادراتی در سطح ۱٪ معنی‌دار بوده و در حد انتظار دارای علامت مثبت است که این امر نشان می‌دهد رشد درآمدهای صادراتی موجب رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت می‌شود. همچنین نتایج ضرائب β دلالت بر این دارند که عواید صادراتی مهمترین عامل تأثیر گذارنده بر رشد اقتصادی می‌باشد. ارتباط بین درآمدهای صادراتی و رشد اقتصادی را می‌توان در خلال برداشتی کلان، ملاحظه نمود.

افزایش در عواید صادراتی بعد از سالهای ۷۴-۱۹۷۳ و ۸۰-۱۹۷۹ موجب افزایش پس انداز ملی، سرمایه‌گذاری، هزینه‌های عمومی و واردات در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت شد. پس اندازهای ملی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت از طریق افزایش در عایدات صادراتی فزونی یافت. افزایش پس انداز ملی منجر به مصرف بیشتر و افزایش کلی در هزینه‌های دولتی و سرمایه‌گذاری خصوصی شد. سرمایه‌گذاران خصوصی، سرمایه‌های خود را به سمت صنایع سبک و خدمات معطوف داشتند و هزینه‌های عمومی در جهت ایجاد "زیرسازهای" از طریق احداث و گسترش راهها، برق، شبکه‌های ارتباطی، بنادر و پروژه‌های سرمایه‌بر صنعتی از قبیل فولاد و پتروشیمی به کار گرفته شد و این در حالی بود که قسمتی از افزایش مصارف دولتی و خصوصی به واسطه رشد تولیدات ناخالص داخلی تأمین می‌گشت.

رشد اقتصادی که به واسطه افزایش عواید صادراتی ایجاد شد، دیرزمانی به طول نیا نجامید. در اوائل سالهای ۸۰-۱۹۷۹ با افزایش قیمت نفت و رکود اقتصادی در کشورهای صنعتی، تقاضای خارجی برای نفت کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت به شدت کاهش پیدا کرد. نفت خام تولیدی پوسیده کشورهای عضو اوپک از کاهشی حدود ۹/۱۶ درصد برخوردار گشت که این امر موجب کاهش بسیار زیاد در عواید صادراتی این کشورها گردید. بدینسان تنزل عواید صادراتی در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت موجب رکود و بدنبال آن موجب کاهش رشد اقتصادی آنها شد.

بطور کلی، تحقیقات تجربی دال بر این است که صادرات عامل بسیار بااهمیتی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت بوده و رشد اقتصادی این کشورها وابستگی زیادی به این بخش از اقتصاد آنها دارد.

ضریب عواید صادراتی نزدیک به ۳۰٪ است که نشان می‌دهد یک درصد افزایش در نرخ رشد عواید صادراتی منجر به سی درصد افزایش در نرخ رشد تولیدات ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت می‌شود.

ضریب نرخهای بهره بین‌المللی در تمامی سطوح معنی دار نمی‌باشد. ضریب β برای نرخهای بهره بین‌المللی دلالت بر این دارد که نرخ بهره جهانی عامل نسبتاً کم اهمیت تری نسبت به عوامل دیگر در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت است.

نتایج تجربی بیانگر این امر است که نرخ رشد نیروی انسانی در کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت عاملی مهم قلمداد نمی‌شود. ضریب نیروی انسانی معنی‌دار نبوده و ضریب β برای این متغییر دلالت بر این دارد که رشد نیروی انسانی نسبت به رشد سرمایه از درجه اهمیت کمتری برخوردار می‌باشد. ضریب رشد سرمایه، دارای سطح معنی‌دهی در حدود ۵ درصد است و علامت این ضریب مثبت بوده که دلالت بر این دارد که سرمایه یک رابطه مثبت با رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت دارد. رشد سرمایه‌ای حاصل نمی‌گردد، مگر آنکه سرمایه در جهت تولیدات مورد استفاده قرار گیرد، زیرا هیچگونه، ضمانتی در مورد افزایش نیروی انسانی ما هر وجود ندارد.

ب - کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت به صورت منفرد.

به علت عدم وجود اطلاعات قابل استفاده جهت تخمین، از میان ۱۲ کشور در حال توسعه صادر کننده نفت، ۹ کشور برگزیده شده‌اند و نتایج حاصله در مورد این کشورها در جدول ۳ آورده شده‌اند. این کشورهای برگزیده در حال توسعه صادر کننده نفت، از سطوح رشد اقتصادی متفاوتی برخوردار می‌باشند.

اندونزی و نیجریه به عنوان کشورهای دارای درآمد متوسط در نظر گرفته شده‌اند. الجزایر، ایران و ونزوئلا در ردیف کشورهای دارای سطح درآمد بالاتر از سطح متوسط قرار دارند. کویت، لیبی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، کشورهای صادر کننده نفت با سطح درآمدی بالا می‌باشند. وجه مشترک این کشورها در این است که آنها شدیداً به نفت خام به عنوان یک منبع تأمین کننده ارز خارجی و درآمد های دولتی وابسته می‌باشند (با مراجعه به مقاله آموزگار ۱۹۸۳ (مأخذ شماره یک) صفحات ۹ تا ۱۴ و ۱۸ تا ۲۳ می‌توان بحثهای مبسوطی را که به عنوان وجوه اساسی اشتراک و افتراق شخصیتی در مورد کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت آورده شده است، ملاحظه نمود).

قیمت صادرات و عواید صادراتی، نقش بسزائی در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت ایفا می‌کنند. قیمت صادرات یک عامل معنی‌دار در تمامی کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت است. ضریب قیمت صادرات در ایران، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ونزوئلا در سطح ۱٪ دارای معنی بوده و در اندونزی، لیبی و نیجریه این سطح معنی ۵٪ و در الجزایر ۱۰٪ است. نتایج حاصله از ضرایب β دلالت بر این دارند که قیمت صادرات، یکی از مهمترین عوامل در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت می‌باشد.

جدول شماره (۲)

تأثیرات شوکهای خارجی و نقل تجارت بین المللی بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت (تخمینهای رگرسیون).

کشور	روش	β_0	PX	EX	R	L	K	R^2	DW	N
کشور OXDCS +	OLS	۴/۱۹ (-۰/۸۰)	-/۲۴*** (۲/۸۸)	-/۲۶*** (۲/۱۹)	./۲۱ (-۰/۹۷)	-/۱۵ (۲/۰۶)	-/۱۳** (۲/۱۶)	./۶۵	۱/۸۰	۱۹
	AR1 ++	۱۴/۲۲* (۱/۷۲)	-/۰۶ (۱/۴۱)	-/۱۸*** (۲/۶۶)	-/۲۱ (۲/۴۶)	۳/۴۵** (۲/۰۰)	۳/۳۵** (۲/۴۶)	./۸۱	۲/۰۴	۱۷
اندونزی	AR2 + + +	۲/۶۲ (-۰/۸۲)	-/۰۵** (۲/۰۲)	-/۰۱*** (۴/۵۰)	-/۲۵** (۲/۰۱)	-/۱۸ (-۰/۶۶)	-/۰۲** (۱/۹۹)	./۶۶	۱/۷۴	۱۶
	AR1	۱۲/۶۴* (۱/۹۰)	-/۱۹*** (۵/۲۳)	-/۲۱*** (۵/۹۴)	-/۲۶ (-۰/۹۷)	۳/۱۶ (-۰/۸۷)	./۱۴*** (۲/۰۸)	./۷۵	۲/۰۱	۲۱
کویت	AR2	۳/۴۲** (۲/۵۴)	-/۲۱*** (۴/۹۱)	-/۰۹*** (۴/۱۵)	۱/۸۶*** (۲/۸۵)	۱/۶۳** (۱/۸۰)	-/۲۶** (۲/۴۴)	./۹۴	۲/۱	۲۱
	AR1	۲۰/۸۲ (۱/۱۲)	-/۱۴** (۲/۷۸)	-/۲۴*** (۲/۸۹)	-/۲۰* (۲/۷۲)	-/۹۲ (-۰/۴۲)	-/۰۶ (-۰/۶۴)	./۷۹	۱/۸۴	۲۰
نیمبره	OLS	۲/۷۸ (-۰/۲۴)	-/۱۹** (۲/۴۲)	-/۲۲*** (۲/۹۹)	۱/۲۹*** (۲/۱۱)	-/۱۲ (-۰/۵۲)	./۳۷*** (۴/۱۲)	./۷۵	۱/۸۷	۲۱
	AR2	-۵/۰۴** (-۰/۸۲)	-/۲۷*** (۱/۶۱)	-/۴۳*** (۲/۱۴)	۱/۳۳** (۴/۴۸)	-/۰۲ (-۰/۰۴)	-/۰۶** (۲/۵۹)	./۸۵	۲/۱۱	۱۷
امارات عربی متحده	AR2	-۱۱۴/۲۸*** (۵/۱۴)	۳/۱۲*** (۴/۵۱)	۲/۸۷*** (۴/۲۱)	۹/۵۳*** (۵/۰۰)	۲/۷۳** (۲/۵۹)	-/۲۵** (۲/۵۷)	./۸۲	۲/۳۷	۱۴
	OLS	۵/۹۵* (۱/۶۸)	-/۱۸*** (۴/۲۲)	-/۱۰** (۲/۰۵)	-/۳۴ (-۰/۸۲)	-/۵۸ (-۰/۸۲)	-/۱۰** (۱/۷۵)	./۹۲	۲/۰۲	۲۱

اعداد داخل پرانتز مقادیر t می باشد .
 + معنی داری در سطح ۱۰ درصد
 ++ معنی داری در سطح ۵ درصد
 +++ معنی داری در سطح ۱ درصد

جدول ۴

تأثیر نسبی عوامل برون‌ی و تجاری بر رشد اقتصاد کشورهای در حال توسعه صادر-
کننده نفت (مقادیر ضرایب β).

کشور	PX	EX	R	L	K
	-۲.۹۳۹	۲.۹۶۲	۰.۲۴۰	-۰.۱۸۲	۰.۴۶۱
الجزایر	۰.۲۵۲	۰.۵۴۸	-۰.۰۶۷	-۰.۲۱۲	۰.۴۱۴
اندونزی	-۰.۶۰۱	۱.۲۹۲	۰.۶۰۵	۰.۰۶۵	۰.۱۶۴
ایران	-۱.۲۹۱	۱.۳۹۱	-۰.۱۱۵	-۰.۱۵۵	۰.۴۳۶
کویت	۰.۶۴۵	۰.۶۰۳	۰.۳۳۲	۰.۰۵۳	۰.۱۹۶
لیبی	-۰.۴۹۷	۰.۹۷۳	-۰.۳۲۳	-۰.۱۸۱	۰.۱۱۴
نیجریه	-۰.۷۱۰	۰.۸۶۵	۰.۷۴۷	-۰.۰۷۸	۱.۰۱۴
عربستان سعودی	-۵.۷۸۹	۶.۱۰۱	۰.۴۳۷	۰.۰۰۲	۰.۲۷۹
امارات متحده عربی	-۱۱.۸۱۴	۱۱.۰۹۹	۱.۵۸۶	۰.۹۶۴	۰.۵۸۷
ونزوئلا	۰.۶۶۱	۰.۳۰۸	۰.۰۶۷	-۰.۰۶۴	۰.۱۵۲

ضریب عواید صادراتی تجاری در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت در سطح بالایی دارای معنی می باشد. این ضریب برای تمامی کشورهای منتخب ۱ درصد است (به استثناء ضریب عواید صادراتی ونزوئلا که در سطح ۵٪ معنی دار است).

نتایج حاصله از ضرایب β دلالت بر این دارند که عواید صادراتی، مهمترین عامل در رشد اقتصادی تمامی کشورهای برگزیده در حال توسعه صادرکننده نفت می باشد و ضرایب عواید صادراتی برای تمامی کشورهای برگزیده، دارای علامت مثبت می باشند که دال بر این است که اگر در این کشورها عواید صادراتی افزایش یابد، نرخ رشد اقتصادی ارتقاء پیدا خواهد کرد.

ضرایب β برای نرخهای بهره تمامی کشورها دلالت بر این دارند که نرخ بهره کم اهمیت ترین عامل در رشد اقتصادی این کشورهاست. ضرایب نرخهای بهره در الجزایر، ایران و ونزوئلا در هیچ سطحی دارای معنی نمی باشند. این ضرایب در کویت، نیجریه، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در سطح ۱٪، در اندونزی در سطح ۵٪ و در لیبی در سطح ۱۰٪ معنی دار می باشند.

ضرایب نیروی انسانی در کشورهای برگزیده در حال توسعه صادرکننده نفت - به استثناء الجزایر، کویت و امارات متحده عربی که در سطح ۵٪ معنی دارند - بی معنی می باشند. و قتیکه نتایج ضرایب β برای رشد جمعیت با نرخ رشد سرمایه مقایسه شود، روشن می گردد که عامل نیروی انسانی اهمیت کمتری نسبت به سرمایه در رشد اقتصادی بیشتر کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت دارد.

ضرایب β برای نرخ رشد سرمایه وقتی با ضرایب رشد جمعیت در بسیاری از کشورهای برگزیده در حال توسعه صادرکننده نفت مقایسه شوند، مشخص می گردد که ضرایب سرمایه، دارای تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی هستند. ضرایب سرمایه در بسیاری از این کشورها به استثنای لیبی دارای معنی می باشند. این ضرایب در الجزایر، ایران و نیجریه در سطح ۱٪ و در بقیه کشورها در حال توسعه برگزیده، در سطح ۵٪ معنی دارند.

بطور کلی تحقیقات تجربی بیانگر این امر است که سرمایه یک عامل مهم در رشد کشورهای برگزیده در حال توسعه صادرکننده نفت می باشد.

میزان مشاهدات در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت متفاوت می باشد. اطلاعات آماری مربوط به امارات متحده عربی قبل از سال ۱۹۷۲ موجود نیست و این کشور دارای کمترین میزان نمونه مطالعاتی بین ۱۴ می باشد. حال آنکه تعداد مشاهدات در کشورهای ایران، کویت، نیجریه و ونزوئلا ۲۱، در الجزایر و عربستان سعودی ۱۷ و در اندونزی و لیبی به ترتیب ۱۶ و ۲۰ است. گوناگونی در رشد کشورهای در حال توسعه

صادرکننده نفت بوسیله خط رگرسیون به خوبی توضیح داده می‌شود. ضریب R^2 در امارات متحده عربی و ونزوئلا ۹۳٪، در الجزایر، اندونزی، ایران، کویت، لیبی، نیجریه و عربستان سعودی به ترتیب ۹۱٪، ۶۶٪، ۷۵٪، ۹۴٪، ۷۹٪، ۷۵٪ و ۸۵٪ می‌باشد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

اگرچه تاثیرات شوکهای خارجی و متغیرهای تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه غیر صادرکننده نفت قبلاً "مورد بررسی قرار گرفته است، تاثیر این عوامل بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت مورد بررسی و تحقیق هیچ پژوهشگری قرار نگرفته بود. نتایج تجربی این غور و بررسی نشان می‌دهند که قیمت‌های صادرات و عواید صادراتی که بخش اعظم آنها را درآمدهای نفتی تشکیل می‌دهد، مهمترین عامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت و به خصوص کشورهای منطقه خلیج فارس می‌باشد. محققینی همانند "بلاسا" و "رام" نویسنده قبلاً در مطالعات جداگانه‌ای روشن‌گر این نکته بوده‌اند که بخش صادرات، مهمترین بخش تجاری در رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه صادرکننده سرمایه و غیر صادرکننده نفت می‌باشد. بنابراین شاید بتوان رشد درآمدهای صادراتی را در کل، یک عامل حیاتی برای تمامی کشورهای درحال توسعه به حساب آوریم.

از طرفی رشد اقتصادی کشورهای صنعتی پیشرفته بطور معکوس تحت تاثیر نوسانات قیمت نفت کشورهای منطقه خلیج فارس بوده که این نتیجه بر معادلات سیاسی میان کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت و به خصوص کشورهای منطقه خلیج فارس با کشورهای پیشرفته و صنعتی، تاثیرات عمیقی باقی می‌گذارد. کاهش قیمت‌های نفتی در سالهای ۸۸-۱۹۸۶ تا حدودی به دلیل عدم همبستگی میان کشورهای صادرکننده نفت منطقه خلیج فارس بود. این امر باعث شد این کشورها با عدم تعادل اقتصادی در بازار داخلی و خارجی مواجه و به منظور فائق آمدن بر این مشکلات مجبور به استقراض گردند. درحالیکه اکثریت این کشورها قبل از سقوط قیمت نفت به کمتر از ده دلار، از مازاد در تراز پرداخت‌ها برخوردار بودند. در این سالها حجم نقدینگی و پول در گردش و به دنبال آن تورم در این کشورها، از افزایش بالایی برخوردار بود. بطوری که حجم نقدینگی میان سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ در کشورهای منطقه جنوب خلیج فارس افزایشی معادل ۵ میلیارد

دلار داشت. همچنین درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت در ایران، در اثر افت شدید قیمت نفت در سالهای مورد بحث، از ۱۶/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۴ به حدود ۷/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ کاهش یافت. کسری بودجه در این سال معادل ۲۲۰۰ میلیارد ریال برآورد گردید و حجم نقدینگی به ۱۵۶۵۷ میلیارد ریال افزایش یافت که افزایش قیمت‌ها را سبب گردید. کشورهای دیگر صادرکننده نفت از وضعیت مشابهی برخوردار بوده‌اند بطوری‌که میزان بدهی خارجی عراق بین ۱۰۰-۶۰ میلیارد دلار برآورد گردیده است. همچنین ضربات ناشی از کاهش درآمدهای صادراتی (نفتی) در الجزایر باعث شد که این کشور بادهی ۱۷ میلیارد دلاری روبرو و مجبور شود با کاهش واردات، کسری‌تراز پرداخت‌ها را جبران نماید.

بنابراین ملاحظات و با تکیه بر نتایج تجربی در این بررسی، کشورهای صادرکننده نفت منطقه خلیج فارس باید از تکرار تجربه ناگوار سالهای ۸۸-۱۹۸۶ جلوگیری کنند و بایهانه تحصیل سهم عادلانه، عرضه خود را افزایش نداده و باعث کاهش قیمت‌ها نگردند. همبستگی میان کشورهای منطقه خلیج فارس در جهت صادرات نفت و تجارت بین‌المللی نه تنها می‌تواند درآمدهای صادراتی آنها را افزایش دهد بلکه به کشورهای کوچک و پر جمعیت صادرکننده نفت خارج از این منطقه، از جمله نیجریه، مجال مقابله با مشکلات فراوان اقتصادی خود را خواهد داد.

- Amuzegar, J. "oil Exporters, Economic Development in an Interdependent world", IMF Occasional Paper, 8, April 1983.
- Balassa, B. "Policy Responses to Exogenous Shocks in Developing Countries." AER, 76, (May 1986): 75-78.
- "Adjustment to External shocks in Developing Countries", World Bank Staff Working Paper, No. 742, 1981.
- Balassa, Barsony and Richards, The Balance of Payments Effects of External Shocks and policy Responses to these shocks in Non-Oil Developing countries, OECD, 1981.
- Chu, Ke-Young, "External Shocks and The Process of Fiscal Adjustment in a small Open Developing Economy", IMF, 1987.
- Fry, M. and Lilien, D., "Monetary Policy Responses to Exogenous Shocks", AER, 76, May 1986.
- Goldsbrough and zaidi, "Transmission of Economic Influences from Industrial to Developing Countries", IMF, July 1986.
- Hirshman, A., "A Generalized Linkage Approach to Development", Economic Development and Cultural Change, 1977.
- IFS, Year Book, IMF, 1987, p. 137.
- IFS, Supplement on Output Statistics, IMF, 8, 1984-85.

- 11- IMF, World Economic Outlook, 1980-87.
- 12- OPEC Bulletin, "Oil: Myth and Reality", 12, April 1981.
- 13- Ram, Rati, "Exports and Economic Growth in Developing Countries: Evidence From Time-Series and Cross-Section Data", Economic Development and Cultural Change, 1987.
- 14- Rahimibrougerdi, Alireza, "The Effects of Major Exogenous Shocks on the Growth of Non-Oil Developing Countries, ECONOMICS MANAGEMENT, voL.3, FALL 1989
- 15- Tabellini, G. "Fiscal Policy Responses to the External Shocks of 1979 in Selected Developing Countries: Theory and Facts", IMF, December 1985.
- 16- Tanzi, Vito, "Fiscal Policy Responses to Exogenous Shocks in Developing Countries", AER, 76, May 1986.
- 17- World Development Report, World Bank, 1987.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی